

بیاد مرد مجاهد

بلخی افغانی

دختر میرامت ، شو کز غبار خاکش ،
طرح دگر بیزد ، مماندند گانی ،
ه از شمار مرحوم بلخی

نخستین یاری که او را ملاقات نمود . جاله ای از خلعت و شکوه او را گرفته بود
و آثار جوانمردی و شجاعت در قیافه اش بیختم میخورد ، جذابت و عظمت روحی او هر بیننده
را در نخستین بار تحت تأثیر قرار میداد ، قیافه روحانی و سپهائی ملکوتی او جلوه خاصی در
بیننده ایجاد میکرد . و هنگامیکه لب سخن باز مینمود سکوت مطلق بر مجلس حکم فرما
میکشت !

آرزو در فالار سخنرانی دارالتفلیح اسلامی قم راجع به «عظمت علم» و مقام دانشندان
دینی سخن میگفت و با سوز دل تمام وظائف حیاتی امروز آنان را گوشزد میکرد .
هنوز هم آنهنگ جالب و سودای دلنشین او در گوشه های قلبی انداز است که با نین سپهر
مؤثری سروده های خود را ضمن بحث درباره تعلیمات و وظائف علمای مجاهد ایراد میکرد و
همه شنونده گان را تحت تأثیر بیانات نافذ خود قرار داده بود .



مبارزه در راه عقیده :

عقب ماندگیهای جامعه چهار بیلونی نیمه در افغانستان او را واداشته بود که وارد
مبارزات اجتماعی گردد و در اینراه رنجهای فراوانی متحمل شود ، سابقاً بلخی از جنبه
تخریکات دشمنان اسلام که میخواهند صفوف مسلمانان را پراکنده سازند شبیهان
افغانستان نمیتوانستند مراسم مذهبی خود را آزادانه انجام دهند و از ایستهای عالی مملکتی
نصبی نداشتند ، فرزندان آنان به مدارس و دانشگاهها راهی نداشتند ، مناسب ارتش و
مقامات اداری را اختیار دیگران بود .

سید بزرگوار و سمن دیگر از بزرگان افغانستان وارد مبارزات اصولی و منطقی
شوند و در اینراه ناملازمات فراوان می بینند او پانزده سال تمام از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۳ در
زندان مجرد بسر برد تا بخواستهای مشروطه های مشروطه شومیان جامعه تحقق یوشانند ، و با کمال

سر بلند و احترام از زندان خلاص میشود در حالی که شبیهان آزادی عمل پیدا میکنند و تشیع به
صورت رسمی در افغانستان شناخته شده و در قانون اساسی گنجانده میشود .

در کابینه دولت چند نفر وزیر شریعه و در مجلسین نمایندگان و ستاد روحای شومی ، و هم
چنین در دانشگاهها اساتید و دانشجویان آساراه می یابند . نمایندهای سرهون خدمات طاقت
فرسای آن مجاهد عظیم الشان و چند نفر دیگر از علمای مجاهد دیگر بوده است .

یادگار زندان :

یادگار پانزده ساله زندان مجرد او بیان شرایط سخت و ناگوار حفظ قرآن مجید بود
خود را ظاهر میفرمود : که هر از وقت قصد دارم قرآن را با دقت خواندم و حقایق فراوانی بر من
روشن شود و بیای آن عقاید و بیخ هزار بشر در اخلاق و مواظب سرودم که دیوان مستقلی را
تشکیل میدهد چون در زندان غیر از قرآن کتابی همراه نداشتم :

مسافرت با یران

او پس از پایان تحصیلات خود سن و یکسال پیش با یران مسافرت کرده بود و سفر دیگر
اوسال گذشته پس از مراجعت از مکه منظمه بود که چند روز در قم و تهران و مشهد با دوستان خود
تجدید عهد نمودند و در جلسات متعددی که با تخرار ایمان در قم تشکیل می یافت تمام علما و فضلا
و دانشمندان را تحت تأثیر بیانات جذاب و شوقیه اخلاق و سجاوی روحانی خود میساخت های
تلف است که شنیده میشود پس از مراجعت از یران آن مجاهد توانایی مرحوم حجة الاسلام حاج
سید اسماعیل بلخی افغانی بدعت حق آپک گفته و برای جاودانی شایسته است و خامه تشیع از
مرکز آن فقیه معبد متأثر و سوگوار شده است بدیهی است که مردم مسلمان افغانستان خدمات
ارزنده و فعالیتهای ارجمند آن مرد الهی را هر گز فراموش نخواهند کرد . **عاش سعید اومات**
سعید ارحمه الله

نمونه ای از اشعار او :

شعاع نیر تابان بنیر علم نبود
دن که بر همه افلاکیان شدی موجود
در مرتبیت موسی و خضر شد معلوم
کسیکه بسند بلقیس زود حاضر کرد
چفا وقتند ضحاک را که بر علم زد
مائل ز دانش و فرهنگ مستنیر شدند
هنوز مکتب سقراط و هم فلاطون است
در آن زمانه که اسلام پشرفتی داشت
به نزد صاحب صراف هر زمان بلخی

فروغ شمع فروزان بنیر علم نبود
به امتیاز تو برهان بنیر علم نبود
که آب چشمه حیوان بنیر علم نبود
به پیشگاه سلیمان بنیر علم نبود
درفش کاوه ایران بنیر علم نبود
کلید گوهر شایان بنیر علم نبود
رقاء ملت یونان بنیر علم نبود
سلاح جمع مسلمان به غیر علم نبود
عیار سکه انسان به غیر علم نبود